



در تمــام این ســالها انجمنهــای زیادی بر ای معلولان تأســیس شده اســت. انجمن باور قرار بوده چه کار ویژه ای انجام دهد که وجه تمايز آن با ساير ان جي اوها باشد؟

ہمان طور کے گفتید ان جی اوهای زیادی برای معلولان ایجاد شدہ است. یازدہسال یے شرک ہوان ہایی کے لزوما ہم معلول نبودند صمیم گرفتند ایس انجمن را راہ بیندازند با این پیشزمینه کـه یک چیــزی در زندگیِ معلولان . وجود داشــت که باید اصلاح می شُد. آن هم نگاه بالا به پایینی بود که نسبت به این قشر وجود باد به پییسی بر-داشـت و از آنها مشـارکت اجتماعــی و i شدن را دریغ می کرد. بنابراین بیشتر از این که بخواهد روی مسائل مادی تمرکز کند و با مقرری به سرحه روی مستنی عدوی بر عدو به سرری و مستمری، زندگی معلولان را سر و سامان بدهد، تلاش کـرد بســتری را فراهم کند تا مشــار کت اجتماعی در بین این گروه بالا برود. ایجاد این حس که معلولان همیشه یاری گیرنده نیستند و می توانند حتی دستگیر دیگران هم باشند، ر کی ر مهمترین چیزی بود که ما میخواستیم آن را در

جامعه و افکار عمومی ایجاد کنیم. این باوری که شـما از آن حرف میزنید از چه راههایی در معلولان ایجاد شد؟

. ما برای رسیدن به این هدف، توانمندسازی فردی و گروهی را با هم درنظر گرفتیم. نوانمندسًازی فردی که مشخص است. با موزش و فرهنگسازی صورت می گیرد. با ایجاد فرصتهای برابر در بهدست آوردن معلوُلان در شُوراي شُهُر و مجلس شوراًي اسلامي تا بتواند در تصمیم گیریهای کلان از حقوق آنها دفاع کند. توانمندسازی گروهی هم که برای انجمن ارزش زیادی دارد و بدون شک می تواند یک تحول بزرگ در کشور ایجاد کند، برگزاری تورهای کارگاهی در کل کشور است. به این شکل که نماینیدگان ما به استان های مختلف سیفر .د و آموزشهایی را برای توانمندس ب سازمان های غُیردولتی کُه دُر رابطُه با معلولاًن فعالیت می کنند، ارایسه می دهنسد. در خیلی از استانهای ایسران مدیریت انجی اوها ضعیف است و خیلی از مدیران تجرب چنین کاری را ندارند. بنابراین ما این طرح را از اسفند ۹۳ و از محروم ترین اســـتان که سی ـتان و بلوچستان . د. ر.ی د شدروع کردیم و در کارگاهها این بحث را ئنجانديم كـه براي احقاق حقـوق معلولان چه

نجهدیم شه برای اعتقاق خشوق معلولان چه کاری می توان انجام داد. با این پیشرمیند که در پایتخت نهادهای مدنی با مشکلات زیادی مواجه هستند، شما چه تصوبری از یکی از محروم ترین استانهای ایران در رابطه با فعالیتهای مدنی شان داشتید،

ما می دانستیم که وضع خوبی در این استان وجود ندارد اما شــرايط از تصور ما هم كمى بدتر بود. اين اســتان به شــدت محروم است. بهدليل وضعیتی کے دارد کمتر سے مایه گذاری در آن ر انجــام میشــود. اگرچــه در همین اس انجى اوهاى مختلف وجود دارد اما هيچ كدام کار کرد مناسبی ندارند. در کارگاههای آموزشی که برگزار کردیم، نزدیک به ۳۰ ان جی او حضور داشتند که عمدتا ضعیف بودند و فقر فرهنگی در ن بیداد می کرد.

وضعیت معلُولان چطور بود؟

ین استان از هـر جهـت نیازمنـد تحولات تماعی است. معلولان در روستاها به حال خود رها می شوند. هیچ تُلاشی بُراُی خارج کردن آنها از انــزوا و وضع موجود نمی کننــد و آن را به حال خود رها می کنند.

ی رورس معلولان به چهچیزی بیشستر نیاز دارند که موسسه باور روی آن تمرکز کرده و آن را در دیگر استانها هم آموزش می دهد؟

سی است. متاسفانه حق معلولان در جامعه ما زیاد پایمال می شود. ما تلاش می کنیم که ایس حقوق را به آنها بر گردانیم. یادم هست در سال ۸۹ یک آزمون نخدامی در آموزش و پرورش برگزار شُـدُ و

طرح نو | سارا شــمیرانی | ســهیل معینی را در دفتر کارش ملاقات می کنم. فردی روشندل و فعال که از ۳۰ سال پیش تا به امروز برای حقوق آز دست رفته معلولان تلاشهای زیادی کرده است. کسی که در تصویب برنامه جامع حقوق حمایت از معلولان نقش پررنگی داشسته و در اجتماع نابینایان پیشــنهاد داده که چنیــن برنامهای باید هرچه زود تر در کشــور بــه تصویب بر ســد. او در حال حاضر مدیر عامل انجمن باور اســت. حرفهای زیادی درباره نحوه کار ان جی اوها و ســختی کارشــان دارد. اما بیشــتر از هر چیزی از خیرینی گلایه میکند که نگاهشــان به س تغییر دیدگاهشـان درباره انجام یک کار خیــر و داوطلبانــه، مقاومت می *کن*ند. قرار بود با او بین ىتى رفىت كە احتمالا دغدغە درباره انجمن باور و نحوه فعاليتشــان حرف بزنيم اما صحبتها به خیلی از کسانی است که در این سال ها سعی کردهاند نهادهای مدنی کوچکشان را گسترش دهند و روحیه کار داوطلبی را درون مردم نهادینه کنن

تأثیر گذاشته است. یکی دیگر از مشکلات هم این است که نمی توانی هم توقع بودجه دولتی قرار بسود ۴۰هزار نفر به استخدام این وزار تخانه عور بنوا با الموارعوبه استخدام بین ورازعات دربیایند. از این تعداد ۱۲۰۰ نفر معلول بهطور قانونی حق داشتند که استخدام شنوند. همان زمان تنها ۵۰۰ معلول شنرکت کردنند و ۴۰۰ تی باشی. این ، ممکن است داشته باشی و هم منتقد کار به; س ، مدير يا نحوه عملكرد،

 إذماني يكى از خيرين به ما اطلاع داد كه باغى در لواسان دارد و تصميم گرفته يك روز تمام بچههای معلول را به این باغ دعوت کند. موسسه هم قبول کرد و قرار شد یک روز خیلی خوب را با هم ســپری کنیم. اما به محض این که به لواســان رســیدیم چیزهای عجیبی دیدیم. اول این که در یک بخشی از این باغ به ما اجازه نشستن ندادند چراکه بخش خوب و لژباغ مخصوص خیرینی بود که میخواستند در مراسم حضور داشته باشند. بعد هم از یک مراسم عجیب اسیم آور دند که همه ما را آشفته کرد. اسم این رسم عجیب رقص کباب (کباب گردانی) بود. به ایسن صورت که یک سیخ کباب کوبیده را دور می چرخاندند و خیرین هر کدام یک بخـش از کباب را برمیداشــتند و کمک خودشان را در سبد کسی که کباب دســتش بود میر یختند. جالب این جاست که این مراسم جلوی چشــم بچههای معلولی که به باغ رفته بودند هم اجرامی شد. ما به محض شنیدن اجرای چنین مراسمی تصمیم گرفتیم باغ را ترک کنیسم. اما صاحب باغ با خواهش و التماس از ما خواست که بمانیم. ما هم ســه شرط گذاشتیم و قبول کردیم به نشانه اعتراض جایی نرویم.

♦ ما می دانســتیم که وضع خوبی در استان سیستان و بلوچســتان وجود ندار د اما شــرایط از تصور ما هم کمی بدتر بود. این اســتان به شــدت محروم اس وضعیتــی کــه دار د کمتــر ســرمایه گذاری در آن انجام میشــود. اگرچــه در همین اســتان هم انجیاوهای مختلف وجود دارد اما هیچ کدام کار کرد مناسـبی ندارند. در کارگاههای آموزشــی که برگزار کردیم، نزدیک به ۳۰ان جی او حضور داشتند که عمدتا ضعیف بودند و فقر فرهنگی در آن بیداد می کرد.

> و پرورش وقت، با این بهانه که معلم معلول، دانش آموزان را افسرده می کند و برای روحیه پچهها خوب نیست، همه آنها را در مصاحبه رد کرد. همان زمان ما تلاشهای زیادی کردیم. أن قدر بي ماجرا گرفتيم كه تا مرز استيضاح وزير هم کشیده شد. همان سال ها و با پیگیری انجمن و با حکم دیوان عدالت اداری، بچه ها توانستند به ر گانها به بهانه های مختلف اجازه حضور معلول در جامعه را نمی دهند. همه مــا تلاش می کنیم این حقوق هرچه سریعتر به افراد باز گردد. در تمام سالهایی که فعالیتهای مدنی

داشــتید، مهم ترین مشــکلاتی کـه باعث شده گاهی شما نسبت به کاری که میکنید ت به کاری که می کنید دلسر د شوید، چه بوده است؟

در تمام این سال ها مشکلات مختلفی وجود داشته. برخی از این مشکلات مقطعی بودند و بعضی هم دایمی. انجی اوها بیشتر یک تهدید به حساب می آمدند تا فرصت. البته با گذشت زمان این موضوع حل شد و به خصوص در دولت ر کی برار رخ این میرد. جدید دوباره نگاهها به نهادهای مدنی مثبت شد. همچنین به دلیل وجبود تحریمها ظرفیت سته معبرین به دایون و بر شده است. خیلی بخش خصوصی باشدت کم شده است. خیلی از بنگاههای خصوصی که بسه ان جی اوها کمک می کردنسد به دلیسل کمبسود در آصد کمکها را قطع کردهاند و این روی عملکرد نهادهای مدنی

روی بودجهای که اختصاص پیدا می کند تأثیر بگذارد: اگرچه در این سال ها آستانه تحمل ها هم بالا رفته اما باز انتقاد کردن همیشه واکنش هایی بههمراه داشته است. نفر هم در آزمون قبول شــدند. امـــا وزیر آموزش کمی هم از مشــکلاتی بگوییــد که دایم

همچنــان روی عملکــرد هسستند و حسیست روی انجی اوها تأثیر می گذارند... ان جی اوسا نا نیو نفی نمازند... یکی از مهم ترین مشکلاتی کیه همیشگی بوده، نگاه سنتی خیرینی است کیه تصمیم می گیرند بیه یک موسسه کمک کنند. یکی از ویژگیهای بوسسه ما این است که عادت ر ندارد گوشــت و مرغ و برنــج در اختيار مددجويان خود بگـــذارد. اما تلاش مي کنا تا آنها را توانمند کند. مثلا این که برای یک معلول کامپیوتـر بخرد تــا بتواند از

طریق آن کار کند و درآمد مسأله متاسفانه در بین خیرین هم جا نیفتاده. مثلا ما همین مو ضـو ع

کامپیوتسر را با خیلی از خیرین سنتی مطرح می کتیم هام جوابی که می شنویم بر ایمان خندددار است. خیلی از آنها در جنواب توضیحات ما می گویند، ما برای خرید کامپیوتر پول نمی دهیم امــا تَقبــل می کنیم کــه بــه ۳۰۰ نفــر معلول، ۱۰ شب اول محرم شام بدهیم! واقعیت این است که چنین طرز تفکری آزاردهنده است و از آن ، ست مشکلاتی است که سخت می توان حل

شـما که بیشــتر روی طرز فکــر آدمهای جامعه، (معلـول و غیرمعلول) کار می*ک*نید، یر را و خیرستون) دار می کنید، بــرای عوض کــردن چنیـــن دیدگاهــی چه کارهایی انجام دادهاید؟ شاید بد نباشد برای پاسخ به این سوال یک

گرفتـه یک روز تمام بچهٔ هـُای معلـول را به این باغ دعوت کند. موسسـه هم قبول کرد و قرار شـد یک روز خیلی خوب را با هم سیری کنیم. اما به به لواسان رسیدیم چیزهای عج دیدیــم. اول این که در یک بخشــی از ایــن باغ به ئن ندادند چراکه بخسش خوب و لژ بــاغ مخصوص خیرینی بــود که میخواس مراسم حضور داشته باشــند. بعد هم از یک مراسم ر عجیب اسم أوردند كه همه ما را أشفته كرد. اس این رسم عجیب رقص کباب (کباب گردانی) بود. به این صورت که یک سیخ کباب کوبیده را دور می چرخانند و خیرین هر کدام یک بخش از کباب را برمی داشــتُند و کمک ُخودشان را در س که کباب دستش بود می ریختند. جالب ایر که این مراسم جلوی چشم بچههای معلولی که به باغ رفته بُودند هم اجرا می شد. ما به جرای چنین مراسمی تصمیم گرفتیم باغ را ترک کیا ایا نیان كنيم. امــا صاحب باغ بــا خواهش و التم ت که بمانیم. ما هم سه شرط گذاشتیم و فبول كرديم به نشانه اعتراض جايي نرويم. شرط اول ایسن بود که همسه با هم یکجا باش و خير فرقي نداشته باشند. بعد هم اين كه رسم فجيب رُقت كبتاب را كلا حذف كننت و اجازه بدهند ما یک سخنرانی داشته باشیم. همانجا هم -------ی به سیهر به خصصه عیرین نیستند و قرار نیازمندان، پل بهشـت رفتن خیرین نیستند و قرار نیســت از کنار کمکی که میکنند جواز بهشــت را بهدست بیاورند. در آن متن ما اشاره کردیم که کمکوردن بیشتر از این که یک معامله باشد، ت برای این که ما انسان های خوب تری شُویم. انســانیتُ را درک کنیم و با دیدن تفاوت فدای خودمان را بیشتر شاکر باشیم و انسان های یم نه این که لژ بنشینیم و از بالا به دمهای معلول نگاه کنیم ما به خاكي ترى شويم نه اين كه لژ بنُشـــ

امثال چنین سخنرانی هایی زیادنیاز داریم تا بتوانیم

این نگاه را تغییر دهیم و

تحول اساسی در نگرش آدمها بهوجود بیاوریم

که به ایس راحتی ها قطعا به وجود

نخواهد آمد.

بىاطلاعى وناآگاهى مانع فرهنگسازى

آغازبه كاربايك باور

مانى رضوى زاده إعضوانجمن باور

يازده سال پيش و باايده قرار گرفتن افراد معلول و غيرمعلول در كنار هم و به عنوان

شکل دهی به نمونه ای از جامعه ایده آل، انجمن باور شکل گرفت این انجمن نه در ابتدای نشر (ههی به موبونه) رز جمعه ایدها را بنجین بور شخل فرخت. این انجین به فر ایندنی کارش و ندم رحل احضر، میراد ترکنای مستقی نامت به این معنا کامتیان به عدمان اما کامتیان به عدمان از معلوان نبود و افراد مسئول در آن هم صر قادر زمره افراد معلول قرار نداشتند افراداز هر علیفی در نمایی در مختری حاصر و است. این این تعن هم از اکثرای بازایی در نوع فعالیتها بر جانهاد چراکتر کرید افراد کشتر دوده جازی از آغز اکر است کی کردیم رخ بند حوزی وارد شدیم، حوزه نخست بحث فرهنگسازی بود چراک معتقد بودیم و هستیم که اصل

هُرُ چيز فُرهنگ اُست و قوانين وامكانات و.. هُمه از فُرهنگ نشأت مي گير دو اگر ما در حوزه

فرهنگی بلنگیم،در دیگر حوزه هانمی توانیم به در ستی وار دعمل شویم و سعی کر دیم با تهیه

ر سیار تر بی از میران کرد. این از میران که این از میران که کتا کتاب، ساختن فیلم، برگزاری جشنوارههای فرهنگی و... در این راه گامپرداریم، برای مثال، در جشنواره فرهنگی-هنری سال ۸۵ که منجر به چاپ کتاب در خصوص زندگی معلولان

در شهر شوره فرهنگ جسری سال به مصحر به چاپ نساید و خصوصی رسدی معمودی در شهر شد یا فعالیت هایمان در حروزه کودکان در در در دو کموکان آن جا و جشــ نواره کتاب که در آن جا کتاب هنرهجهی توانم» منتشر شد و این کتاب هم بسیداز از کذار بود و ایسان تقالی اسیداری را به خود جذیت کند. این کتاب سعی می کرد تفاوت آسان ها یا یکدیگر را به کودکان ملارس اموش شده ما مصدی کرد. برای مربیان مهدهای کودک داشستیم حوزه دیگر کارمان توانمندسازی بود، به این معنی

رک که فردی که دارای تفاوت جسمی است، لازم است خودش را باور کندو توانمندی های خود را رشــد دهد. اسم انجمن هم از همین جا بود که «باور» شد به همین دلیل سعی کردیم با

ر ارساس به بیشی بین سعی بریسایی برگزاری کارگاههای رواشتناســـی و سوق هادن افراد به سمت داشتن نگر ش در ست نسبت به خود، این کار را انجام دهیم. تمر کز فعالیت های ما، بیش از هر کجای دیگر در شهر تهران بوده، صرفایه دلیل تمر کز اجرایی که در این شهر مهیاست، امادر زاهدان، غرب کشور و برخی

نیگر از شُهرها نیز کار گاههایی بر پاشده آست. این آنجمن برای مُن اماوجه دیگری داردو آن هم این است که تولد دوباره ای برایم بود. تا پیش از آن من هر گز تجربه فعالیت اجتماعی به

ا این شکل را نداشتم استام حضور در این از این می کارد و وجهی از وجودم که دوست داشت مشارکت کند، پررنگ شد و توسط کلیت انجمن رشد پیدا کرد و پس از آن بود که ایدمپردازی هاهم آغاز شد، ما در ابتدای راه برای مشکلات بیرونی افراد کم توان روی

ر برای در بازی و دسترسی به امکانات شهری، حمل ونقل عمومی و رفت و آمد تأکید کر دیم و به لحاظ درونی هم همواره این شـعر حضرت مولانامدنظرمــان بود که می فرمایند: «ره

اً أُسمان درون اُست بير عشقَّ را بَحِبَيان إبر عشقَ گر قوى شد،غَمِز دبانُ نَملَند»وباين تنيجه رسيديم كه هر فر ددارای معلوليت بايد بهشدت آموزش ببيند. هم از منظر فنى و هم روانی و مهار تهای روانشناسی، معلوليت یک تفاوت است اما تفاوتی بسيار بزرگ که اگر در سنين

ر ۱۳/۹ کرد. بزر گسالی باشد، تاثیرات متفاوتی خواهد داشت و لازم است فر در وی خودش بسیار کار کند و اگر از کودکی باشد نیاز مند سرمایه گذاری همه جانبه است که اجتماع و نهادهای عمومی

نواننداین فرصت هاراایجاد کنند.

مهديه رستگار إعضو فعال انجمن باور

من از طریق برنامه ماه عسل در ســال ۸۵ باانجمن باور آشنا شدم، تلفنی دنبال انجمن گشتم، ن را پیدا کردم و توانستم عضو انجمن شوم و الان نزدیک چهار سال است که فعالیت های رسانه ای انجمن را انجام می دهم. دغدغه های مشترکی که با انجمن داشتم باعث شد با انجمن ر می متران در می از این این این این این از آشنایی باانجمن باور فکر می کردم فقط برای من احساس نزدیکی کنم. دغدغههایی که تاقبل از آشنایی باانجمن باور فکر می کردم فقط برای من است.اما اینهامشکلاتی بود که برای همه ماوجود داشت.این دغدغه هابیشتر به هم نزدیک مان کرد و من از وقتی به اعضا نزدیکتر شُدم، انرژی خوبی از آنها گرفتیم ولی خیابی ها 'بودند' که قبل از عَضُو شدن در انجمن از این نگاهها ناراحت بودند و بعد انجمن کمکشان کرد که با این مسأله راه بیایند. وسی روصی، هست در این نگاهها نار احت بودند و بعد انجمن کمکشان کرد که با این مسأله راه بیایند. شدن در انجمن از این نگاهها نار احت بودند و بعد انجمن کمکشان کرد که با این مسأله راه بیاینند. ماحتی مواردی داشتیم که به دلیل معلولیت از خانه بیرون نمی آمدند اما بعد با کمک انجمن فعال شدندو در هُمه برنامه هاو آموزش هاشر کُت می کنند. رویکر دانجمن باور یعنی فرهنگسازی برای بهتر شدن نگاه مردم نسبت به معلولان، یک نیاز است و این حس مشتر کی بود که باید روی آن رُور زمان کار مُی شد. مانمی خواهیم آرمانی نگاه کنیم آما نسبت به گذشته تفاوت ایجاد شده تـ شاید چند سال پیش در محیط فرهنگی به فردی با ویلچر عجیب تر نگاه می کردند اماالان بکجورهایی جاافتاده و به آن شدت تعجب انگیز نیست و بر نامهها و تشویق برای حضور بچهها تر این نگاه تاثیر گذار بوده است. اولین گروهی که مافکر می کنیم باید روی آنها کار شود، کودکان هستند تااین نگاه در سال های آینده هم اصلاح شود. دو نفر از اعضای ما خانم ترانه میلادی و آقای هستند تا این تکافر در ساله این اینده هم اصال خود دو نفر از اعشای ما خاتم تر امه بیرادی را قای ملی در خور برای برای می در نمود برای برای در این می در این برای در

جنوی رایی بار دسی شده کمهرون غیرمونی در سوده بخدین بداشتن اعظی و از سری اعلاقی نیاز مهمی که مالان در انجمن باور آن را احساس می کنیمونیار و بزشک و بزشک در منزل است. گافی مشکلی باری با باوجوده یا یه که اکنان خورج از منزل را ندار بره و پزشک در منزل افزید فرق العادما بالای در اداری سالهای است که فکر می کنم باید روی آن کار شود و دیرا داش مظالبی طرح نوشته شوند تامشکل مرتفع شود.